

نقش فرزندآوری و فرزندپروری در افزایش کیفیت زندگی از منظر آیات و روایات

زهرا بردستانی^۱

چکیده

دین مبین اسلام به فرزندآوری و فرزندپروری اهتمام ویژه‌ای دارد و آن را موجب افزایش کیفیت زندگی دنیوی و اخروی می‌داند. این در حالی است که فرهنگ استعماری غرب، نسخه فرزند کمتر زندگی بهتر را برای جوامع اسلامی تجویز می‌کند. پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و جمع‌آوری اطلاعات کتابخانه‌ای، کوشیده است با بررسی نقش فرزند در افزایش کیفیت زندگی، والدین را به فرزندآوری و فرزندپروری ترغیب کند تا زندگی باکیفیت‌تری را تجربه کنند. دستاوردهای پژوهش حاضر نشان داد که فرزندآوری و فرزندپروری، موجب بالارفتن کیفی زندگی مادی و معنوی و افزایش اقتدار خانواده و جامعه است و فرزندان صالح نه تنها در پیشامدهای روزگار، یاریگر و تسهیل‌کننده مشکلات و به دلیل پاکی و رفتار نیکو، روشنی چشم خانواده و موجب عزت و شادکامی هستند؛ بلکه اجر اخروی آن، سرمایه مهم معنوی و صدقه جاریه برای والدین است و به دلیل برخورداری از سهم الرزق در نزد خدای رازق، وسعت‌دهنده رزق خانواده و جامعه و تداومگر فرهنگ حیات‌بخش و باکیفیت توحیدی از نسلی به نسل‌های آینده هستند.

واژگان کلیدی: فرزندآوری، فرزندپروری، کیفی‌سازی زندگی، آیات و روایات.

۱. دانش‌آموخته سطح ۳ مشاوره خانواده جامعه الزهراء (ع)، قم، ایران. Z.bardestani67@gmail.com

مقدمه

در سال‌های اخیر با رشد سریع وسایل ارتباط جمعی همچون ماهواره، تلفن همراه و...، سبک زندگی غربی در حال ترویج است و الگوگیری برخی افراد از این سبک به رویه‌ای عادی تبدیل شده است. یکی از محصولات فرهنگی غرب، حیوان‌پروری است که جای فرزندآوری و فرزندپروری را گرفته است تا جایی که بنا بر برخی آمارها در سال ۲۰۱۸، در جهان حدود دومیلیارد حیوان خانگی شامل بیش از ۹۰۰ میلیون سگ خانگی و ۶۰۰ میلیون گربه خانگی وجود داشته است (پایگاه خبری تحلیلی حکیم مهر، «۴۰ درصد مردم جهان دارای حیوان خانگی هستند»، ۱۳۹۷/۱۱/۱۶)؛ موضوعی که یک آسیب بزرگ فرهنگی و اجتماعی محسوب می‌شود. یکی از علل حیوان‌پروری، خلأ عاطفی ناشی از فقدان فرزند است. این در حالی است که فرزندآوری که همان تکاثر نسل و فرزندپروری که به معنای پرورش و تربیت فرزند است، به دلیل برخورداری از آثار مثبت همانند شادی، نشاط و اقتدار خانواده و عزت نفس والدین، ضمن کیفی‌سازی زندگی از آسیب‌های حیوان‌پروری، بی‌فرزندگی و تک‌فرزندگی جلوگیری می‌کند. بنابراین هدف پژوهش حاضر که به روش توصیفی - تحلیلی و تبیینی است، ارتقای سطح کیفی زندگی با فرزندآوری و فرزندپروری از نگاه آیات و روایات است. این پژوهش از این نظر که زمینه‌ساز افزایش کیفیت زندگی است، دارای اهمیت است و از آنجا که فقدان فرزندآوری و فرزندپروری موجب سالخوردگی خانواده و جامعه است، این تحقیق ضروری است. بنابراین مقاله حاضر در صدد پاسخگویی این سؤال اصلی است که نقش فرزندآوری و فرزندپروری در افزایش کیفیت زندگی از منظر آیات و روایات چیست؟ برای پاسخ به این سؤال باید ابتدا به این سؤالات پاسخ داد که فرزندآوری و فرزندپروری چگونه موجب کیفی‌سازی زندگی خانوادگی و اجتماعی می‌شوند؟ از نظر آیات و روایات ثمرات و کارآمدی فرزندآوری و فرزندپروری که موجب کیفی‌سازی زندگی خانوادگی و اجتماعی می‌شوند، کدامند؟

بررسی پیشینه این موضوع، بیانگر تحقیقات و پژوهش‌های علمی است که نزدیک به این موضوع به سامان رسیده است. برای مثال کتاب فرزند بیشتر زندگی شادتر اثر محمدی‌نیا (۱۳۹۷) به آثار داشتن فرزند زیاد در خانواده، جامعه و خطرات کاهش جمعیت اشاره کرده

است، اما این آثار را از منظر قرآن و حدیث بررسی نکرده است. کتاب فرزندآوری در سبک زندگی اسلامی تألیف شوبکلای (۱۳۹۹) نیز به مسئله کنترل جمعیت از ابعاد گوناگون پرداخته است و به مسئله فرزند بیشتر، زندگی بهتر اشاره‌ای نکرده است. کتاب فرزندآوری نگاشته مقدمه (۱۳۹۵) به ضرورت فرزندآوری اشاره نموده است و به بهتر شدن زندگی از منظر قرآن و حدیث اشاره‌ای ندارد. همچنین مقاله «الگوی تصمیم‌گیری فرزندآوری، یک مطالعه کیفی» اثر کبودی و همکاران (۱۳۹۲) به کیفی‌سازی فرزندآوری اشاره کرده است، اما از آیات و روایات بهره‌ای نبرده است. از این رو بررسی کیفی‌سازی زندگی از طریق فرزندآوری و فرزندپروری از منظر آیات و روایات، ضمن تکمیل تحقیقات گذشته، تحقیقی متفاوت و جدید خواهد بود.

نقش فرزندآوری و فرزندپروری

پرورش فرزندان صالح و نیکوکار به سبب کارآمدی و ثمراتی که دارند، موجب ارتقای کیفیت زندگی در دنیا و آخرت می‌شوند. برخی از این ثمرات عبارتند از:

۱. اقتدار خانواده و جامعه

برخی نویسندگان معتقدند:

«قدرت یک ملت در درجه اول به نفرات آن بستگی دارد. ملل کوچک و کم جمعیت غالباً ضعیف و ناتوانند. در میدان سبقت گرفتن نظام‌های سیاسی و گرایش‌ات دینی و مذهبی از همدیگر، این فراوانی جمعیت است که نظام و گرایش مورد نظر خود را به کرسی خواهد نشاند. از این نظر باید به این امر اهتمام ورزید و از آن غفلت نکرد. درست است که کثرت جمعیت یک کشور ممکن است در پاره‌ای از مواقع مشکلاتی از نظر تامین غذا و مسکن به وجود آورد، ولی در عین حال یکی از علل قدرت و عظمت آن خواهد بود. از این روست که می‌بینیم کشورهای نیرومند دنیا، همه کشورهای پرجمعیت هستند» (مکارم شیرازی و سبحانی، بی‌تا، ص ۳۸۳).

تجربیات عینی و میدانی نیز ثابت می‌کند که در مواجهه با مشکلات طبیعی مانند سیل، زلزله و ... و حتی مصائب مانند مرگ، بیماری و ...، هر اندازه نیروی انسانی بیشتر باشد، شرایط سخت آسان‌تر می‌شود. در روایات نیز پرورش فرزندان صالح و یاریگر را موجب بالا رفتن کیفیت زندگی معرفی شده است؛ زیرا آنان عامل اقتدار و بازوی توانای خانواده در شرایط سخت زندگی و حوادث تلخ روزگار هستند؛ چنانکه امام رضا علیه السلام درباره آثار ازدواج فرموده است:

«... وَ تَكْثِيرِ الْعَدَدِ وَ تَوْفِيرِ الْوَلَدِ لِنَوَائِبِ الدَّهْرِ وَ حَوَادِثِ الْأُمُورِ مَا يَزْعَبُ فِي دُونِهِ الْعَاقِلُ اللَّيِّبُ وَ يُسَارِعُ إِلَيْهِ الْمُؤَفَّقُ الْمُصِيبُ وَ يَحْرُسُ عَلَيْهِ الْأَدِيبُ الْآرِيبُ...» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۳۷۴)؛ (از آثار و برکات ازدواج) تکثیر جمعیت و فزونی نسل برای سختی‌های روزگار و پیشامدهای امور است و همین بس که خردمند تیزبین به آن راغب می‌شود و انسان موفق و درستکار به آن پیشی می‌گیرد و فرد ادیب خردورز به آن حرص می‌ورزد).

بی‌گمان بازوی توانمند فرزندان و استعدادهای آن‌ها در حوزه‌های گوناگون فنی، نظامی، امنیتی و ...، یاریگر خانواده و عامل تسهیل مشکلات و کیفی‌سازی زندگی است. در روایتی آمده است: روزی امام حسن عسکری علیه السلام که به دستور معتمد عباسی در زندان به سر می‌برد، به یکی از یاران خود در زندان فرمود: «آیا فرزند داری؟». عرض کرد: خیر! امام علیه السلام درباره او چنین دعا فرمود: «اللَّهُمَّ ارْزُقْهُ وَلَدًا يَكُونُ لَهُ عَصْدًا فَنِعْمَ الْعَصْدُ الْوَلَدُ؛ خدایا! به او فرزندی روزی کن که بازوی توانایی برای وی باشد. چه خوب بازویی است فرزند». سپس حضرت این شعر را خواند: «مَنْ كَانَ ذَا عَصْدٍ يُدْرِكُ ظِلَامَتَهُ إِنَّ الدَّلِيلَ الَّذِي لَيْسَتْ لَهُ عَصْدٌ (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۰، ص ۲۷۵)؛ هر کس که بازویی (فرزندی) دارد، اگر ستمی بر او رود؛ فرزندش آن را می‌ستاند. ذلیل و خوار کسی است که بازو (فرزند) ندارد».

زندگی حول محور سعادت و بدبختی خانواده می‌چرخد و فرزندآوری به‌ویژه پرورش فرزندی که یار و یاور والدین باشد، عامل خوشبختی و زندگی بهتر است. از همین روست که امام زین العابدین علیه السلام فرموده است: «مِنْ سَعَادَةِ الرَّجُلِ أَنْ يَكُونَ لَهُ وَلَدٌ يَسْتَعِينُ بِهِ» (کلینی، ۱۴۰۷،

ج ۶، ص ۲)؛ از سعادت مرد این است که فرزندانی داشته باشد تا در مشکلات به یاری اش برخیزند». فرزندآوری و تربیت نسل مددکار و یاور وسیله اقتدار و تسلط است؛ چنانکه قرآن کریم نیز داشتن مال و فرزندان را نشانه امداد الهی و وسیله قدرتمندی و اقتدار دانسته و فرموده است: «ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ وَأَمْدَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَجَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا» (اسراء: ۶)؛ «سپس غلبه و تسلط بر آن‌ها را به شما باز می‌گردانیم و شما را به وسیله اموال و فرزندانی یاری می‌کنیم و از حیث نفرات بیشتر (از آن‌ها) قرار می‌دهیم». بررسی آیاتی که به این مسئله پرداخته‌اند، گویای مدح فرزندآوری است؛ زیرا فرزندان مایه اقتدار زندگی اجتماعی هستند و خدای متعال نیز با اموال و نیروی انسانی دولت را به بنی اسرائیل بازگردانید؛ به‌ویژه اینکه مراد از «کرة» در آیه شریفه، دولت و اقتدار است (قرشی، ۱۳۷۷، ج ۶، ص ۳۳). بر این اساس فرزندآوری و فزونی جمعیت، از جمله مؤلفه‌های اقتدار جوامع هستند که با تکیه بر این نعمت الهی می‌توان بر دشمنان پیروز شد. بر اساس تفاسیر قرآن، این آیه شریفه چنین وعده می‌دهد که بنی اسرائیل به زودی به دولت سابق خود باز می‌گردند و بعد از عذاب بار اول که دشمنان بر آن‌ها مسلط شدند، این بار به یاری خدای متعال بر دشمنان مسلط می‌شوند و از چنگ استعمار رهایی می‌یابند و این برگشت به تدریج و در طول زمان صورت خواهد گرفت. این امداد به وسیله اموال و فرزندان است و بالا رفتن آمار به لحاظ جمعیت و نیروی انسانی، به زمان قابل توجهی احتیاج دارد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۳، ص ۵۲).

در قرآن کریم نوح علیه السلام نیز به قوم خود وعده می‌دهد که اگر از گناهان خود استغفار کنند، پروردگار متعال با تداوم باران‌های پر برکت و امداد رسانی از طریق اموال و فرزندان آن‌ها را یاری خواهد کرد تا این نکته را برساند که نیروی انسانی دارای قدرت امدادی است و یکی از برکات الهی به شمار می‌آید: «فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا * يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا * وَيُمْدِدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَيَجْعَلْ لَكُمْ جَنَّاتٍ وَيَجْعَلْ لَكُمْ أَنْهَارًا» (نوح: ۱۰-۱۲)؛ «به آن‌ها گفتم از پروردگار خویش آمرزش بطلبید که او بسیار آمرزنده است تا باران‌های پر برکت آسمان را پی در پی بر شما فرستد و شما را با اموال و فرزندان فراوان امداد کند و باغ‌های سرسبز و نهرهای جاری در اختیارتان قرار دهد». از نظر علامه طباطبایی، کلمه «امداد» به معنای

رساندن مدد به دنبال مدد دیگر و مدد به معنای هر چیزی است که آدمی را در رسیدن به حاجتش کمک کند. از این رو اموال و فرزندان، نزدیک‌ترین کمک‌های ابتدایی برای رسیدن جامعه انسانی به هدف‌های خویش است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲۰، ص ۴۵).

زیادی جمعیت نه تنها برای موحدان مفید است؛ بلکه برای دشمنان اسلام نیز یک امتیاز بوده و موجب اقتدار آن‌ها شده است. در مقابل جمعیت کم هرگز امتیاز محسوب نشده و این موضوع در فتنه‌ها، آشوب‌ها و شورش‌ها علیه جامعه اسلامی خود را بهتر نشان داده است؛ چنانکه امام علی علیه السلام هنگامی که در شرایط سخت جنگ صفین قرار گرفت، این‌گونه دعا کرد: «اللَّهُمَّ إِنَّا نَشْكُو إِلَيْكَ غَيْبَةَ نَبِيِّنَا وَ كَثْرَةَ عَدُوِّنَا وَ قِلَّةَ عَدَدِنَا» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۳۲، ص ۴۶۱)؛ خدایا! ما به تو شکایت می‌کنیم از نبودن پیامبرمان، زیادی دشمنان مان و اندک بودن تعدادمان».

از نظر قرآن کریم زیادی جمعیت و اموال، از عناصر اقتدار یک جامعه هستند و زندگی بهتری را رقم می‌زنند. این کتاب آسمانی چنین بیان می‌کند که جریان امور این منافقین مانند گذشتگان شماست که از نظر قوت و توان از شماها شدیدتر و نیرومندتر بودند و از نظر اموال و فرزندان بر شما برتری داشتند. با این حال مطابق آنچه برای آن‌ها مقدر و نوشته بود، زندگی کردند و از نعمت‌های دنیوی استفاده نمودند: «كَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ كَانُوا أَشَدَّ مِنْكُمْ قُوَّةً وَأَكْثَرَ أَمْوَالًا وَأَوْلَادًا فَاسْتَمْتَعُوا بِخَلْقِهِمْ» (توبه: ۶۹)؛ «(حال شما منافقان) همچون کسانی است که پیش از شما بودند، (با آنکه) آنان نیرومندتر از شما و ثروتمندتر و صاحب فرزندان بیشتری بودند، پس آنان از نصیب‌شان بهره‌مند شدند». قرآن کریم همچنین جمعیت کم را عامل محرومیت از نعمت و جمعیت زیاد با فرزندآوری را نعمت الهی معرفی کرده است؛ زیرا موجب اقتدار و بالا رفتن کیفیت زندگی است؛ از همین روست که به نصیحت شعیب علیه السلام اشاره می‌کند که با یادآوری نعمت جمعیت زیاد، حس شکرگزاری قوم خود را تحریک می‌کرد: «وَادْكُرُوا إِذْ كُنْتُمْ قَلِيلًا فَكَثَرْتُمْ وَانْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ» (اعراف: ۸۶)؛ «و یاد کنید زمانی را که اندک بودید، پس خداوند شما را بسیار گرداند و بنگرید که عاقبت مفسدان چگونه بود». این آیه شریفه مردم را به یاد یکی از نعمت‌های بزرگ الهی یعنی «ازدیاد نسل» می‌اندازد که در پرتو فرزندآوری

و فرزندآوری محقق می‌شود. انسان بر خلاف سایر حیوانات، زندگی اجتماعی دارد و سعادت عالیه‌ای که انسان را از سایر حیوانات متمایز می‌کند، اقتضاء دارد تا حوائج ضروری خود را تأمین نماید؛ بلکه ناگزیر است که در تحصیل خوراک، پوشاک، مسکن، همسر و سایر حوائج با سایر افراد تشریک مساعی نماید؛ بلکه با کمک فکری و عملی دیگران حوائج خود را تأمین کند. بنابراین روشن است که برای چنین موجودی کثرت افراد، نعمت بسیار بزرگی است؛ زیرا هر چه بر تعداد افراد جامعه افزوده شود، نیرو و قدرت جامعه نیز بیشتر می‌شود؛ بلکه فکر، اراده و عمل آن‌ها قوی‌تر می‌گردد و برای حل مشکلات، رفع حوائج و تسخیر قوای طبیعت، راه‌حل‌های دقیق‌تری را پیدا می‌کند. بر این اساس ازدیاد نسل، یکی از نعمت‌های الهی و پایه‌های تکامل بشر است. هیچ‌گاه يك جامعه چند هزار نفری قدرت نظامی، سیاسی، اقتصادی و حتی قدرت علمی، ارادی و عملی یک جامعه چند میلیونی را ندارد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۸، ص ۲۳۹). برخی مفسران می‌نویسند آیه مزبور نشان می‌دهد که بر خلاف تبلیغات حساب‌نشده‌ای که امروز درباره فرزندآوری گفته می‌شود، در بیشتر موارد کثرت نفرات می‌تواند سرچشمه قدرت، عظمت و پیشرفت جامعه باشد؛ البته به شرطی که با برنامه‌های منظم، زندگی آن‌ها از نظر مادی و معنوی تأمین شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۶، ص ۲۵۲).

۲. روشنی چشم و شادکامی خانواده

وجود فرزندان در خانواده، آثار و فواید جسمانی و روحی-روان‌شناختی فراوانی برای والدین به دنبال دارد. خانواده‌هایی که صاحب فرزند هستند، بیش از خانواده‌های بدون فرزند از زندگی لذت می‌برند و احساس شادی و خوشبختی بیشتری می‌کنند. نتایج تحقیقات پژوهشگران دانشگاه «بریگهام یانگ» آمریکا بر ۲۰۰ هزار خانواده از ۸۶ کشور جهان، بین سال‌های ۱۹۸۱ تا ۲۰۰۵ م نشان می‌دهد که داشتن فرزند، موجب کاهش فشار خون والدین، افزایش تمایل به یادگیری، استفاده بیشتر از قدرت تعقل، افزایش اعتماد به نفس، امکان بهتر درک زیبایی‌ها، دقت بیشتر در کارهای جذبی و افزایش شادی والدین می‌گردد (آیت‌اللهی، ۱۳۹۲، ص ۱۸۵)؛ زیرا یکی از عوامل ایجاد آرامش و افزایش شور و نشاط در زندگی، ورود فرزندان به کانون خانواده

است. اگر چه مسئله تمایلات نفسانی در آغاز جوانی محرک انسان برای ازدواج است، ولی با کاسته شدن شدت این تمایلات، داشتن فرزند مایه دلگرمی کانون خانواده می شود. از همین روست که در تعبیر دینی، فرزندان نور چشم والدین معرفی شده اند.

قرآن کریم یکی از خصوصیات «عباد الرحمن» را طلب کردن فرزند از خداوند معرفی کرده است. آنان از خداوند فرزندی را طلب می کنند تا روشنی چشم شان شود: ﴿وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا﴾ (فرقان: ۷۴)؛ «و آنان کسانی هستند که می گویند: پروردگارا! برای ما از همسران و فرزندان مان روشنی دیدگان (و نسل های صالح، پاک و متقی) عطا کن و ما را بر پرهیزکاران (در مسابقه به سوی ایمان و رهبری در اصول و فروع و معارف) پیشواگردان». در این آیه شریفه ﴿قُرَّةَ أَعْيُنٍ﴾، معادل نور چشم و کنایه از کسی است که مایه سرور و خوشحالی است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۵، ص ۱۶۷).

از نظر روایات نیز فرزندان نور چشم و عامل نشاط و شور خانواده هستند. بر این اساس روزی پیامبر ﷺ از اشعث بن قیس پرسید: «أَلَيْكَ مِنْ بِنْتِ حَمْرَةَ وَلَدٌ؟ آیا از دختر حمزه فرزند داری؟». او گفت: پسری دارم که اگر به جای آن یک ظرف ترید آبگوشت داشتم که آن را جلوی مهمانم می گذاشتم، بیشتر دوست داشتم. حضرت فرمود: «چرا این گونه گفتی؟» و سپس افزود: «إِنَّهُمْ لَثَمَرَةُ الْقُلُوبِ وَ قُرَّةُ الْأَعْيُنِ (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۵، ص ۱۱۲)؛ فرزندان میوه دل ها و نور چشم هاینده». مشاهدات عینی نیز بیانگر آن است که یکی از بزرگ ترین عوامل شادی آفرین برای والدین، اولین ملاقات آن ها با فرزندان سالم خویش پس از تولد است. زن و شوهر هم زمان با تولد فرزند، پدر و مادر خطاب می شوند. بنابراین آن ها زندگی خود را معنادارتر از گذشته می یابند. در آینده نیز شنیدن الفاظ «مامان» و «بابا» از زبان کودک برای آن ها لذت بخش است. همان گونه که تولد فرزندان می تواند موجب نشاط و سلامت روانی والدین شود، نگاه به چهره فرزند نیز می تواند نشاط وصف ناشدنی برای والدین به ارمغان آورد و سبب سلامت روانی آنان شود؛ لذا فرزندآوری موجب شیرین تر و باکیفیت تر شدن زندگی می شود و شاید بر همین اساس باشد که امام علی علیه السلام فرزند صالح را مایه انس و آرامش والدین معرفی کرده است: «الْأُنْسُ فِي ثَلَاثَةٍ: الزَّوْجَةِ الْمُوَافِقَةِ وَالْوَلَدِ الْبَارِّ وَالْأَخِ الْمُوَافِقِ (لیثی واسطی، ۱۳۷۶، ص ۶۵)؛ انس و

آرامش در سه چیز است: همسری که با شوهرش توافق داشته باشد، فرزندی که صالح باشد و برادری که موافق و هم‌رأی انسان باشد».

به دلیل کارکرد مطلوب فرزند صالح در خانواده است که قرآن کریم تولد فرزند را بشارت می‌دهد و آن را رحمت و برکت برای خانواده معرفی می‌کند؛ چنانکه به ابراهیم علیه السلام بشارت تولد اسماعیل علیه السلام و اسحاق علیه السلام را می‌دهد:

﴿وَأَمْرَأَتُهُ قَائِمَةٌ فَضَحِكَتْ فَبَشَّرْنَاهَا بِإِسْحَاقَ وَمِنْ وَرَاءِ إِسْحَاقَ يَعْقُوبَ * قَالَتْ يَا وَيْلَتَى أَأَلِدُ وَأَنَاْ عَجُوزٌ وَهَذَا بَعْلِي شَيْخًا إِنَّ هَذَا لَشَيْءٌ عَجِيبٌ * قَالُوا أَتَعْجَبِينَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ رَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ إِنَّهُ حَمِيدٌ مَّجِيدٌ﴾ (هود: ۷۳-۷۱)؛ «و همسرش ایستاده بود، خندید. پس او را به اسحاق و پس از او یعقوب بشارت دادیم. گفت: ای وای بر من! آیا من فرزند می‌آورم در حالی که پیرزنم و این شوهرم، پیر مردی است. این راستی چیز عجیبی است. گفتند از فرمان خدا تعجب می‌کنی؟ این رحمت خدا و برکاتش بر شما خانواده است؛ چراکه او حمید و مجید است».

پس از بچه‌دار شدن، زندگی دارای معنای حقیقی می‌شود و خانه به وسیله فرزند پُر از خنده و نشاط می‌گردد؛ چراکه وجود فرزند، وحشت و تنهایی را از خانواده دور می‌کند و آرامش و شادی را به ارمغان می‌آورد. امام صادق علیه السلام در سفارش به فردی که پس از سال‌ها ازدواج صاحب فرزند نشده بود، فرمود:

زمانی که فرزنددار شدن یکی از شما دیر شود، باید این دعا را بگوید: «اللَّهُمَّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَحِيدًا وَخَشَاً، فَيَقْصُرَ شُكْرِي عَنْ تَفَكُّرِي، بَلْ هَبْ لِي أُنْثَاءً وَعَاقِبَةً صِدْقٍ ذُكُورًا وَإِنَاءً، أَسْكُنُ إِلَيْهِمْ مِنَ الْوَحْشَةِ وَأُنْسُ بِهِمْ مِنَ الْوَحْدَةِ وَأَشْكُرُكَ عَلَى تَمَامِ النِّعْمَةِ (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱۱، ص ۳۴۶)؛ خدایا! مرا تنها و وحشت زده نگذار تا سپاس‌گزاریم از تدبیرم کمتر شود؛ بلکه محل انس و جانشینی درست از پسران و دختران را به من ببخش که از وحشت به اینان انس گیرم و از وحدت با آنان آرامش یابم و به هنگام کامل شدن نعمت تو را سپاس گویم».

۳. سرمایه معنوی خانواده

فرزندآوری، سرمایه معنوی است؛ زیرا اعمالی که انسان قبل از مرگ در دنیا مرتکب می‌شود و از پیش برای روز جزا و آخرت می‌فرستد، در لوح محفوظ ضبط می‌شوند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۷، ص ۹۶)؛ چنانکه خداوند متعال فرموده است: ﴿إِنَّا نَحْنُ نُحْيِي الْمَوْتَى وَنَكْتُبُ مَا قَدَّمُوا وَآثَرَهُمْ وَكُلُّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُّبِينٍ﴾ (یس: ۱۲)؛ «به یقین ما مردگان را زنده می‌کنیم و آنچه را از پیش فرستاده و آنچه را از خود باقی گذاشته‌اند و همه چیز را در کتاب روشنگری احصا کرده‌ایم». بنابراین انسان‌ها صدقه‌هایی که می‌پردازند، دانشی که با آن مردم را راهنمایی می‌کنند و فرزندان صالحی را که پرورش می‌دهند، سرچشمه‌های مستمری برایشان است که حسنات مؤمن را پس از مرگش رشد می‌دهند و می‌پروراند و این، همان سرمایه معنوی است (مدرسی، ۱۳۷۷، ج ۱۱، ص ۹۹). بر این اساس انسان با تولد فرزندان صالح و حلم و صبر در مقابل مشکلات فرزندآوری و فرزندپروری، سرمایه معنوی برای خود در زندگی اخروی و معنوی خود فراهم کرده است؛ چنانکه پیامبر گرامی اسلام ﷺ به ام سلمه فرمود: «إِذَا حَمَلَتِ الْمَرْأَةُ كَانَتْ بِمَنْزِلَةِ الصَّائِمِ الْقَائِمِ الْمُجَاهِدِ بِنَفْسِهِ وَ مَالِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَإِذَا وَضَعَتْ كَانَ لَهَا مِنَ الْأَجْرِ مَا لَا يَدْرِي أَحَدٌ مَا هُوَ؟ لِعِظَمِهِ فَإِذَا أَرْضَعَتْ كَانَ لَهَا بِكُلِّ مَصَّةٍ كَعْدِلِ عِثْقٍ مُحَرَّرٍ مِنْ وَلَدِ إِسْمَاعِيلَ، فَإِذَا فَرَعَتْ مِنْ رَضَاعِهِ ضَرَبَ مَلَكٌ كَرِيمٌ عَلَى جَنْبِهَا وَقَالَ: اسْتَأْنِي الْعَمَلَ؛ فَقَدْ غَفَرَ لَكَ أَمْرًا، ج ۲۱، ص ۴۵۱)؛ زن باردار مانند روزه‌دار شب‌بیدار و سربازی است که جان و مال را در راه پیشرفت اسلام نثار کند. چون کودک متولد شود، چندان اجر به مادر دهند که جز خدا کسی نداند و چون به او شیر دهد، برای هر مکیدن ثواب آزاد کردن بنده‌ای از نسل اسماعیل دارد و چون دوران شیرخوارگی کودک پایان یابد، فرشته‌ای بزرگوار دست به پهلوی مادر زند و گوید: عملت را از سر بگیر که تمام گناهان تو آمرزیده شد».

زندگی و خانواده، بستر آزمایش است؛ از این رو خانواده‌ها از آفت بیماری خود و فرزندان در امان نیستند و والدینی که با تمسک به صبر همچون پرستار دلسوز و خدومی از خواب و

استراحت خود می‌زنند تا مراقب فرزندان خود باشند، بدون تردید این عمل صالح موجب کفاره گناهان و پاکی زندگی اخروی‌شان است؛ چنانکه امام علی علیه السلام فرموده است: «إِنَّهُ كَفَّارَةٌ لِّوَالِدَيْهِ (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۴۸۲)؛ بیماری فرزند، کفاره گناهان پدر و مادرش است». افزون بر این، فرزندان در دنیا و آخرت برای والدین دارای آثار ارزشمندی مانند دعا، شفاعت و ... هستند؛ به‌گونه‌ای که در مقابل زحمات و رنجی که برای والدین دارد، قابل مقایسه نیست. نقل شده است «حسن بصری» می‌گفت: «فرزند بدچیزی است؛ حیاتش رنج می‌دهد و مرگش استخوان می‌شکند». این سخن به سمع مبارک حضرت سجاد علیه السلام رسید و حضرت فرمود: «كَذَّبَ وَاللَّهِ! نِعَمَ الشَّيْءُ الْوَلَدُ؛ إِنْ عَاشَ فَدَعَاءُ حَاضِرٍ وَإِنْ مَاتَ فَشَفِيعٌ سَابِقٌ (بروجردی، ۱۳۸۶، ج ۲۶، ص ۶۲۲)؛ به خدا دروغ گفته است. فرزند، خوب چیزی است. اگر بماند، دعای نقد است و اگر بمیرد، شفاعتگری است که پیش از پدر رفته است». پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله نیز فرموده است: «الْوَلَدُ كَيْدُ الْمُؤْمِنِ إِنْ مَاتَ قَبْلَهُ صَارَ شَفِيعاً وَإِنْ مَاتَ بَعْدَهُ يَسْتَغْفِرُ اللَّهُ لَهُ فَيَغْفِرُ لَهُ (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۵، ص ۱۱۲)؛ فرزند، [پاره] جگر مؤمن است. اگر زودتر از پدر بمیرد، شفیع پدر شود و اگر دیرتر بمیرد، برای پدر طلب آمرزش کند و خدا او را (به واسطه دعای فرزند) بیامرزد».

اثر فرزندآوری و فرزندپروری بر بالا رفتن کیفیت زندگی معنوی و اخروی، حتی شامل فرزند نوزادی می‌شود که در خانواده مسلمان رشد می‌کند؛ زیرا گریه‌اش ذکر خدا، طلب استغفار و ثواب برای والدین است؛ چنانکه از امام صادق علیه السلام نقل شده است که فرمود:

جبرئیل در مورد ارزش فرزندان امت اسلام خطاب به پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله گفت: «...إِذَا بَكَى أَحَدُهُمْ فُبُكَاءُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ إِلَى أَنْ يَأْتِيَ عَلَيْهِ سَبْعُ سِنِينَ فَإِذَا جَازَ السَّبْعَ فُبُكَاءُ اسْتِغْفَارٌ لِّوَالِدَيْهِ إِلَى أَنْ يَأْتِيَ عَلَى الْحَدِّ فَإِذَا جَازَ الْحَدَّ فَمَا أَتَى مِنْ حَسَنَةٍ فَلِوَالِدَيْهِ وَمَا أَتَى مِنْ سَيِّئَةٍ فَلَا عَلَيْهِمَا (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۵۲)؛ هرگاه یکی از آنان گریه کند، گریه‌اش تا هفت سالگی «لا اله الا الله» است و وقتی از هفت سالگی گذشت، گریه‌اش تا بلوغ آمرزش‌خواهی برای والدین است و چون از بلوغ گذشت، هر کار نیکی که انجام دهد، به نفع پدر و مادرش باشد و هر کار ناشایستی که انجام دهد، به زیان آنان (والدین) نخواهد بود».

از نظر روایات با مرگ، کتاب ثبت اعمال انسان بسته و حسابرسی اعمال و نتایج آن باز می شود. بر این اساس حضرت علی (ع) در ضمن خطبه‌ای به مهم ترین تفاوت دنیا و آخرت اشاره کرده و فرموده است: «وَإِنَّ الْيَوْمَ عَمَلٌ وَلَا حِسَابَ وَغَدًا حِسَابٌ وَلَا عَمَلٌ (شریف الرضی، ۱۴۱۴، خطبه ۴۲، ص ۸۴)؛ و همانا امروز روز عمل است، نه حساب و فردا وقت حساب است، نه عمل». این سخن بیانگر این واقعیت است که تا فرصت باقی است، باید بر حجم اعمال صالح خویش افزود و اگر نیکوکاران و بدکاران، پاکان و ناپاکان، اولیای الهی و اشقیاء، حزب خدا و حزب شیطان در این جهان در کنار هم زندگی می کنند، بی آنکه بدکاران مورد مجازات الهی قرار گیرند و نیکوکاران مشمول پاداش خیر شوند، به خاطر آن است که این جهان تنها میدان عمل و آخرت میدان حساب و جزاست، اما سرمایه معنوی فرزندان در خانواده و اثر اعمال آن ها از پس مرگ هم منقطع نمی شود؛ چنانکه رسول اعظم (ص) فرموده است: «إِذَا مَاتَ الْإِنْسَانُ انْقَطَعَ عَمَلُهُ إِلَّا مِنْ ثَلَاثٍ: عِلْمٌ يُنْتَفَعُ بِهِ أَوْ صَدَقَةٌ تَجْرِي لَهُ أَوْ وَلَدٌ صَالِحٌ يَدْعُو لَهُ (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۲۳)؛ وقتی انسان می میرد، عملش قطع می شود و چیزی بر کارهای خویش نمی افزاید، مگر از سه راه: اول آنکه از وی علمی به جای مانده باشد که از آن نفعی برده شود. دوم اینکه صدقه‌ای که به نیت او به جریان افتد. سوم اینکه از وی فرزند صالحی بماند که برایش دعا کند». اجر و ثواب ناشی از اعمال صالح فرزندان نیز به والدین آن ها می رسد؛ چنانکه رسول خدا (ص) در سخن ارزشمند دیگری فرموده است:

«مَرَّ عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ (ص) بِقَبْرِ يُعَذَّبُ صَاحِبُهُ، ثُمَّ مَرَّ بِهِ مِنْ قَابِلٍ فَإِذَا هُوَ لَيْسَ يُعَذَّبُ، فَقَالَ (ص): يَا رَبِّ، مَرَرْتُ بِهَذَا الْقَبْرِ عَامَ أَوَّلٍ وَهُوَ يُعَذَّبُ، وَ مَرَرْتُ بِهِ الْعَامَ وَهُوَ لَيْسَ يُعَذَّبُ. فَأَوْحَى اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ إِلَيْهِ: يَا رُوحَ اللَّهِ قَدْ أَدْرَكَكَ لَهُ وَلَدٌ صَالِحٌ فَأَصْلَحَ طَرِيقًا وَ آوَى يَتِيمًا، فَغَفَرْتُ لَهُ بِمَا عَمِلَ ابْنُهُ (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰۱، ص ۱۰۱)؛ حضرت عیسی (ص) از قبری گذشت که صاحب آن عذاب می کشید. سال بعد نیز بر همان قبر گذشت، اما دید که دیگر عذاب نمی شود. عرض کرد: پروردگارا! پارسال که از این گور گذشتم، صاحبش را عذاب می کردند. امسال که می گذرم، عذابش نمی کنند. خداوند به او وحی فرمود: ای روح الله!

فرزند صالحی از او بزرگ شد و راهی را تعمیر نمود و یتیمی را سرپرستی کرد، من هم به خاطر کارهای فرزندش او را آمرزیدم».

یکی از سرمایه معنوی فرزندپروری در خانواده و اثر مثبت آن، ملحق شدن فرزندان به پدران صالح خود در بهشت است که زندگی پس از مرگ را مطلوب می‌کند. از نظر قرآن کریم این الحاق، مخصوص فرزندانی است که به پیروی از والدین خود از روی اختیار ایمان آورده‌اند: ﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُمْ بِإِيمَانٍ أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَمَا أَلَتْنَاهُمْ مِنْ عَمَلِهِمْ مِنْ شَيْءٍ﴾ (طور: ۲۱)؛ «و آن‌ها که ایمان آوردند و فرزندان‌شان به پیروی از آنان ایمان اختیار کردند، فرزندان‌شان را (در بهشت) به آن‌ها ملحق می‌کنیم و از عمل آن‌ها چیزی نمی‌کاهیم و هر کس در گرو اعمال خویش است». منظور از «ذریه»، فرزندان بالغی است که در مسیر پدران گام بر می‌دارند و در ایمان از آن‌ها پیروی می‌کنند و از نظر مکتبی به آن‌ها ملحق می‌شوند. این‌گونه افراد اگر از نظر عمل کوتاهی و تقصیراتی داشته باشند، خداوند متعال به احترام پدران صالح، آن‌ها را می‌بخشد و ترفیع مقام می‌دهد و به درجه آنان می‌رساند و این، موهبتی بزرگ برای پدران و فرزندان است؛ ولی جمعی از مفسران «ذُرِّيَّة» را در اینجا به معنی اعم تفسیر کرده‌اند که اطفال خردسال را نیز شامل می‌شود، اما این تفسیر با ظاهر آیه سازگار نیست؛ زیرا تبعیت در ایمان، دلیل بر رسیدن به مرحله بلوغ یا نزدیک آن است، مگر اینکه گفته شود: اطفال خردسال در قیامت به مرحله بلوغ می‌رسند و آزمایش می‌شوند. هر گاه از این آزمایش پیروز درآیند، ملحق به پدران می‌شوند. به هر حال از آنجا که ارتقای این فرزندان به درجه پدران، ممکن است این توهم را به وجود آورد که از اعمال پدران برمی‌دارند و به فرزندان می‌دهند، به دنبال آن آمده است که ما چیزی از اعمال آن‌ها نمی‌کاهیم (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۲، ص ۴۲۹). ابن عباس نیز از پیامبر گرامی اسلام ﷺ نقل کرده است که فرمود: «إِذَا دَخَلَ الرَّجُلُ الْجَنَّةَ سَأَلَ أَبُوئِهِ وَزَوْجَتَهُ وَوَلَدَهُ، فَيَقَالُ لَهُ إِنَّهُمْ لَمْ يَبْلُغُوا دَرَجَتَكَ وَ عَمَلَكَ، فَيَقُولُ رَبِّ قَدْ عَمِلْتُ لِي وَهُمْ فَيُؤْمَرُ بِإِلْحَاقِهِمْ بِهِ» (همان، ص ۴۳۰)؛ هنگامی که انسان وارد بهشت می‌شود، سراغ پدر و مادر و همسر و فرزندانش را می‌گیرد؛ به او می‌گویند آن‌ها به درجه و مقام و عمل تو نرسیده‌اند. عرض می‌کند: پروردگارا! من برای خودم و آن‌ها عمل

کردم. در اینجا دستور داده می‌شود که آن‌ها را به او ملحق کنید».

بنابراین عجیب نیست که از اعمال پرهیزکاران و پاداش آن‌ها چیزی کاسته نشود؛ چراکه این اعمال همه جا با انسان است و اگر خداوند متعال لطف و تفضلی درباره فرزندان متقین می‌کند و آن‌ها را به پرهیزگاران در بهشت ملحق می‌نماید؛ این به آن معنا نیست که از پاداش اعمال آن‌ها چیزی کاسته شود (همان).

۴. تقویت عزت نفس والدین در خانواده و جامعه

از نظر روان‌شناسی میان عزت نفس و رضایت، رابطه مستقیم وجود دارد (حیدری، ۱۳۹۹، ص ۱۱۵). پدری که نیازهای مالی و عاطفی فرزند و خانواده‌اش را برطرف می‌کند و لبخند رضایت آن‌ها را می‌بیند یا مادری که غذای مورد علاقه فرزندش را تهیه می‌کند و با قدردانی فرزندش روبه‌رو می‌شود، وجودش سرشار از احساس ارزشمندی و مفید بودن می‌شود و از اینکه می‌تواند خانواده‌ای را مدیریت کند، احساس رضایتمندی و خشنودی خواهد داشت و زندگی با کیفیت بهتری را تجربه می‌کند؛ از این‌رو احساس ارزشمندی و عزت نفس در خانواده‌های دارای فرزند، بیش از خانواده‌های بدون فرزند است؛ چنانکه رسول اکرم ﷺ به نقش فرزند در تقویت عزت نفس والدین تصریح نموده و فرموده است: «مَا مِنْ قَوْمٍ وَلَدَ فِيهِمْ مَوْلُودٌ ذَكَرٌ إِلَّا حَدَّثَ فِيهِمْ عِزٌّ لَمْ يَكُنْ (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰۱، ص ۱۲۹)؛ در هیچ خانواده‌ای فرزندی زاده نشده است، مگر آنکه عزتی یافتند که پیش از آن نداشتند».

آنچه سبب عزت نفس والدین می‌شود، این است که داشتن فرزند با احساس شایستگی و مثمر بودن در ارتباط است. به همین دلیل در روایات داشتن فرزند به ثمره وجود والدین تعبیر شده است؛ چنانکه امام سجاد علیه السلام فرموده است: «أَمَّا حَقُّ وَلَدِكَ فَأَنْ تَعْلَمَ أَنَّكَ مِنْكَ وَ مُضَافٌ إِلَيْكَ (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۱، ص ۱۶۱)؛ باید بدانی که او از تو و ثمره وجود توست». فرزند صالح، گلی از گلستان بهشت است و آن هنگام که گلستان فرزندان ثمره وجود انسان باشند، مسلماً والدین در خانواده احساس عزت نفس و ارزشمندی خواهند داشت؛ بلکه داشتن ثمرات نیکو عامل دلگرمی والدین و تداوم حیات مشترک آن‌ها خواهد بود. بر این اساس

است که رسول اکرم ﷺ فرموده است: «إِنَّ الْوَلَدَ الصَّالِحَ رِيحَانَةٌ مِنْ رِيَّاحِينَ الْجَنَّةِ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۳)؛ فرزند صالح گلی از گل‌های بهشت است.

۵. وسعت رزق در خانواده و جامعه

مایکل آرگیل، کودکان را منبع فواید زیادی برای خانواده دانسته و گفته است: «با وجود فرزند، لذت زیادی در خانواده وجود دارد. بیشتر والدین محرک و شادی را به عنوان یک مزیت از کودکان‌شان دریافت می‌کنند» (شجاعی، ۱۳۸۸، ص ۴). زمانی که خانواده‌ای فرزند می‌آورد، انگیزه والدین برای رشد در همه زمینه‌ها بالا می‌رود. پدر خانواده سعی می‌کند بیشتر تلاش کند تا معیشت خانواده دچار مشکل نشود و حتی اوضاع اقتصادی را به کیفیت بیشتری ارتقا دهد. در خانواده‌ای که فرزند دارند، پدر و مادر و مسئولیت‌پذیرتر می‌شوند و برنامه‌ریزی بهتر و دقیق‌تری خواهند داشت. بنابراین فرزندآوری موجب سعی و تلاش هدفمند و دقیق‌تر والدین و در نتیجه موجب توسعه اقتصادی و وسعت روزی می‌شود و زندگی بهتر و باکیفیت بالاتری را رقم می‌زند، ولی بعضی افراد تشویق به فرزندآوری را فراخوان زایش فقر دانسته‌اند و نگرانی از فقر همواره در بین خانواده‌ها وجود دارد تا جایی که زیر بار مسئولیت‌های زندگی و فرزندآوری نمی‌روند. در گذشته نیز این نگرانی به شکل عمیق‌تر وجود داشت. برای مثال اعراب جاهلی به دلیل ترس از فقر، فرزندان خود را به قتل می‌رساندند تا یک نان خور کمتر شود. قرآن کریم ضمن تأکید بر رزاقیت خدای متعال، کشتن فرزندان را گناهی بزرگ دانست: «وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشْيَةَ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَإِيَّاكُمْ إِنَّ قَتْلَهُمْ كَانَ خِطْئًا كَبِيرًا» (اسراء: ۳۱)؛ «فرزندان خود را از بیم تنگدستی نکشید. این ما هستیم که آنان و شما را روزی می‌دهیم. یقیناً کشتن آنان گناهی است بزرگ». از این آیه به خوبی استفاده می‌شود که وضع اقتصادی اعراب جاهلی آنقدر سخت و ناراحت‌کننده بوده است که حتی گاهی فرزندان دل‌بند خود را از ترس عدم توانایی اقتصادی به قتل می‌رساندند. قتل فرزندان ناشی از توهمی بیش نبود؛ چرا که والدین به زعم خود می‌پنداشتند که روزی دهنده فرزندان‌شان هستند، اما خداوند متعال اعلام می‌کند که این پندار شیطانی را از سر بیرون

کنند و به تلاش و کوشش هر چه بیشتر برخیزند؛ زیرا خدای متعال رازق و روزی دهنده است و زندگی آن‌ها را اداره می‌کند (با فرزندآوری رزق نیز توسعه می‌یابد و خانواده‌ها از لحاظ اقتصادی زندگی بهتری را تجربه می‌کنند)، اما در عصر کنونی آن هم در مرتبه‌ترین جوامع، سقط جنین در مقیاس بسیار وسیعی صورت می‌گیرد که آن هم به خاطر جلوگیری از افزایش جمعیت و کمبودهای اقتصادی است (مکارم شیرازی ۱۳۷۴، ج ۱۲، ص ۱۰۱ و ۱۰۲). بنا بر روایات، فرزندآوری و فرزندپروری موجب افزایش رزق و بالا رفتن کیفیت اقتصاد زندگی است و هر موجودی رزق خود را دارد، اما برخی والدین خود را رازق فرزندان می‌دانند؛ از این رو مانع فرزندآوری می‌شوند. بکر بن صالح می‌گوید به امام هادی علیه السلام نامه نوشتم که مدت پنج سال است از بچه‌دار شدن جلوگیری می‌کنم؛ چون همسرم بچه زیاد را دوست ندارد و می‌گوید وضع مالی ما خوب نیست و به خاطر فقر نمی‌توانیم به تربیت بچه، آن‌گونه که شایسته است، برسیم. نظر شما چیست؟ حضرت در پاسخ نوشت: «اَطْلُبِ الْوَلَدَ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَرْزُقُهُمْ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۳)؛ فرزنددار شوید که خداوند روزی آن‌ها را می‌دهد».

۶. وارث رسالت توحیدی در خانواده و جامعه

یکی از آثار مطلوب فرزندآوری و فرزندپروری، داشتن نیروهای انسانی مطلوب و کارآمدی است که رسالت نبوی و فرهنگ توحیدی را تداوم می‌بخشند تا این امانت و وظیفه خطیر فرهنگی و مسئولیت سنگین الهی بر زمین نماند و زندگی مادی و معنوی از هدایت تهی نگردد. این رسالت که بر عهده مردان الهی همانند پیامبران، اهل بیت علیهم السلام و علمای ربانی است، از نسلی به نسلی بعد منتقل می‌شود؛ یعنی از پیامبری به پیامبر دیگر و سپس از امامی به امامی دیگر و در عصر ما از علمایی به علمای دیگر با مجاهدت انتقال می‌یابد. هر نسلی با فرزندآوری و پرورش مردان و زنان توحیدی نسل جدید را آماده دریافت امانت الهی می‌کنند تا هدایتگر مردم باشند؛ از این روست که حضرت زکریا علیه السلام آرزو کرد که او هم صاحب فرزندی پاک و باتقوا همچون مریم علیها السلام شود و با اینکه سالیان درازی از عمر او و همسرش گذشته بود، ولی اشتیاق آن حضرت به داشتن فرزند صالح و ایمان به قدرت پروردگار، قلب

او را البریز از امید ساخت تا شاید در فصل پیری، میوه فرزند بر شاخسار وجودش آشکار شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۵۳۳). به همین دلیل هنگامی که مشغول نیایش بود، از خداوند متعال تقاضای فرزند صالح کرد: «هُنَالِكَ دَعَا زَكَرِيَّا رَبَّهُ قَالَ رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ» (آل عمران: ۳۸)؛ «در این هنگام زکریا (که این همه کرامت و مائده آسمانی را دید) پروردگارش را خواند و گفت: پروردگارا! از جانب خود نسلی پاک و پسندیده به من عطا کن که همانا تو شنونده دعایی». حضرت زکریا علیه السلام به دلیل شناخت از آثار فرزندآوری و کارآمدی آن، در آرزوی وارثی بود که بتواند برنامه های الهی و رسالتش را تعقیب نماید تا آن برنامه ها و تبلیغات دینی اش ناتمام نماند و آن ها را به سرانجام برساند و فرصت طلبان بعد از او بر معبد بنی اسرائیل، اموال و هدایایی که باید در راه خدای متعال به مصرف برسد؛ پنجه نیفکنند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۳، ص ۴۹۱). قرآن کریم در ضمن سرگذشت دو پیامبر بزرگ الهی یعنی زکریا علیه السلام و یحیی علیه السلام فرموده است:

﴿وَزَكَرِيَّا إِذْ نَادَى رَبَّهُ رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ * فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَوَهَبْنَا لَهُ يَحْيَى وَأَصْلَحْنَاهُ زَوْجَهُ إِنَّهُمْ كَانُوا يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَيَدْعُونَنَا رَغَبًا وَرَهَبًا وَكَانُوا لَنَا خَاشِعِينَ﴾ (انبیاء: ۸۹ و ۹۰)؛ «و زکریا (را یاد کن) آنگاه که پروردگارش را ندا داد: پروردگارا! مرا تنها مگذار و (فرزندی به عنوان وارث به من عطا فرما و البته که) تو خود، بهترین وارثان هستی. پس (دعای) او را مستجاب کردیم و یحیی را به او بخشیدیم و همسرش را (که نازا بود) برای او شایسته قرار دادیم (و این به خاطر آن بود که) همانا آنان در کارهای نیک، شتاب داشتند و ما را از روی امید و بیم می خواندند و در برابر ما فروتن بودند».

زکریا علیه السلام از خدای متعال فرزندى نمی خواست که وارث امور مادی او باشد؛ بلکه فرزندى می خواست که رسالتش را به ارث برد. بنابراین ذات احدیت دعایش را مستجاب کرد و فرزندى به نام یحیی علیه السلام را به او بخشید. یحیی علیه السلام از کودکی پیامبر بود و زکریا علیه السلام عمر خود در تبلیغ رسالت و دعوت سپری، و خداوند متعال با تولد فرزند دعایش را اجابت کرد (مدرسی، ۱۳۷۷، ج ۷، ص ۲۹۷).

قرآن کریم به تقاضای یکی دیگر از پیامبران بزرگ به نام ابراهیم علیه السلام نیز اشاره کرده است که در دعای خویش از خدای متعال فرزند صالحی را طلب کرد تا رسالتش را تداوم بخشد: ﴿رَبِّ هَبْ لِي مِنَ الصَّالِحِينَ * فَبَشِّرْنَاهُ بِغُلَامٍ حَلِيمٍ﴾ (صافات: ۱۰۲-۱۰۰)؛ «پروردگارا! (فرزندی) از گروه صالحان به من ببخش. پس ما او را به نوجوانی بردبار مژده دادیم». نخستین تقاضای حضرت ابراهیم علیه السلام از خدای متعال، تقاضای فرزند صالحی بود که بتواند خط رسالت او را تداوم بخشد و برنامه‌های نیمه‌تمامش را به پایان برساند. تعبیر فرزند صالح و شایسته یعنی اینکه آن فرزند از نظر اعتقاد، ایمان، گفتار، عمل و از تمام جهات شایسته و با کیفیت باشد؛ چراکه صالح، وصفی جامع است که تمام شایستگی‌های یک انسان کامل را در خود دارد. خداوند متعال نیز این دعا را مستجاب کرد و فرزندان صالحی همچون اسماعیل علیه السلام و اسحاق علیه السلام را به آن حضرت مرحمت فرمود تا در راه تعالی فرهنگ توحید اثرگذار و کارآمد باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۹، ص ۱۰۴).

اگر فرزندآوری و سپس فرزندپروری بر اساس توحید نبود، علوم انبیای الهی از نسلی به نسل دیگر انتقال نمی‌یافت. بنابراین در خاندان نبوت و ولایت، فرزندآوری برای پرورش انسان‌هایی است که وارث علم نبوت و توحید باشند؛ چنانکه ضریب کناسی می‌گوید: من حضور امام صادق علیه السلام بودم و ابوبصیر هم حضور داشت. امام علیه السلام فرمود: «إِنَّ دَاوُدَ وَرِثَ عِلْمَ الْأَنْبِيَاءِ وَإِنَّ سُلَيْمَانَ وَرِثَ دَاوُدَ وَإِنَّ مُحَمَّدًا صلی الله علیه و آله وَرِثَ سُلَيْمَانَ وَإِنَّا وَرِثْنَا مُحَمَّدًا صلی الله علیه و آله وَإِنَّ عِنْدَنَا صُحُفَ إِبْرَاهِيمَ وَالْوَحَّاءِ مُوسَى (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۲۲۵)؛ داود علیه السلام علم همه انبیا را به ارث برد و سلیمان علیه السلام، وارث داود علیه السلام شد و محمد صلی الله علیه و آله، وارث سلیمان علیه السلام است و ما هم وارث محمدیم. صحف ابراهیم علیه السلام و الواح موسی علیه السلام نزد ماست». فرزندآوری و پرورش آن موجب شده است که دانش پیامبران نه تنها نابود نشود؛ بلکه به میراث برده شود و دانشمندی پس از دانشمند دیگر وارث علم انبیا گردد و زندگی اجتماعی در دنیا در پرتو آموزه‌های توحیدی و هدایت موحدان باکیفیت بهتری ادامه یابد؛ چنانکه امام باقر علیه السلام فرموده است: «إِنَّ الْعِلْمَ الَّذِي نَزَلَ مَعَ آدَمَ علیه السلام لَمْ يُرْفَعْ وَالْعِلْمُ يُتَوَارَثُ، وَكَانَ عَلَى صلی الله علیه و آله عَالِمِ هَذِهِ الْأُمَّةِ، وَإِنَّهُ لَمْ يَهْلِكْ مِنَّا عَالِمٌ قَطُّ إِلَّا خَلَفَهُ مِنْ أَهْلِهِ مَنْ عِلْمٍ مِثْلَ عِلْمِهِ أَوْ مَا شَاءَ اللَّهُ (همان، ص ۲۲۲)؛ دانشی که با آدم علیه السلام

فرود آمد، دیگر بالا نرفت و دانش به ارث بُرده می‌شود. علی علیه السلام، دانشمند این امت بود و هرگز در میان ما عالمی رخت بر نمی‌بندد، مگر آنکه از خاندان او کسی جانشین او می‌شود که علمی همچون او دارد یا آنچه را خدا بخواهد، می‌داند».

عالمان ربانی نیز به عنوان وارثان انبیا معرفی شده‌اند و تداوم بخش مسیر توحیدند و به هر میزان که از دانش پیامبران بهره‌مند شوند، وارث ایشان خواهند بود؛ چنانکه پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرموده است: «إِنَّ الْعُلَمَاءَ وَرَثَةُ الْأَنْبِيَاءِ، إِنَّ الْأَنْبِيَاءَ لَمْ يُوَرِّثُوا دِينَارًا وَلَا دِرْهَمًا وَلَكِنْ وَرَّثُوا الْعِلْمَ، فَمَنْ أَخَذَ مِنْهُ أَخَذَ بِحَبْطِ وَافِرٍ» (همان، ج ۱، ص ۳۲)؛ عالمان، وارثان پیامبرانند. همانا پیامبران، درهم و دیناری به ارث نگذاشتند؛ بلکه دانش را بر جای نهادند. پس هر کس چیزی از این دانش بیاموزد، بهره‌ای فراوان برده است». به خاطر همین ویژگی است که عالمان مورد تکریم قرار می‌گیرند؛ چنانکه پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرموده است: «أَكْرِمُوا الْعُلَمَاءَ فَإِنَّهُمْ وَرَثَةُ الْأَنْبِيَاءِ» (پاینده، ۱۳۸۲، ص ۲۳۸)؛ عالمان را بزرگ بدارید؛ زیرا آن‌ها وارثان پیامبرانند».

۷. عزت و افتخار در خانواده و جامعه

از نظر روان‌شناسی مادر بودن در خانواده یک افتخار، موهبت و امتیاز است تا جایی که ژاکلین کندی گفته است: «اگر شما برای پرورش بچه‌هایتان اهمیتی قائل نشوید، نمی‌دانم چه چیز دیگری برای شما اهمیت زیادی خواهد داشت» (اندرسون، ۱۳۸۵، ص ۱۲۳-۱۱۷). آیات و روایات نیز «فرزندآوری و کثرت نفرات» را موجب عزت و افتخار می‌دانند؛ چراکه در گذشته و حال میان کثرت جمعیت و عزت ملازمه بوده است؛ چنانکه قرآن کریم در قالب داستان سخنان مرد فخرفروشی که از مالکیت مطلقه خداوند غافل بود و در برابر رفیق مؤمن خود به مال و نفرات زیاد افتخار می‌کرد، به این مسئله اشاره کرده و فرموده است: «فَقَالَ لِصَاحِبِهِ وَهُوَ يُحَاوِرُهُ أَنَا أَكْثَرُ مِنْكَ مَالًا وَأَعَزُّ نَفَرًا» (کهف: ۳۴)؛ «و برای آن مرد میوه‌ای (فراوان) بود. پس به دوستش در حالی که با او گفتگو می‌کرد، گفت: من از تو مالدارتر و از نظر نفرات، نیرومندترم».

در این آیه شریفه کلمه «نفر» به معنای اشخاصی است که به نوعی ملازم با کسی باشند

و اگر نفر نامیده شده اند؛ از این روست که اگر آن شخص کوچ کند، آن ها نیز کوچ می کنند. در آیه شریفه مرد فخر فروش به دلیل مال و اولادی که خدای متعال روزی اش کرده بود، خود را مطلق التصرف می دید تا جایی که کسی در آن چیزهایی که او اراده کند، نمی تواند مزاحمش شود و در نتیجه از نظر اعتقادی خود را مالک آن ها می داند و دچار تفاخر شده و فراموش می کند که خدای متعال، مالک حقیقی است و اموال و نفرات را به عنوان آزمایش به وی تملیک نموده است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۳، ص ۴۲۹ و ۴۳۰). هر چند کثرت اموال و اولاد زیبایی و عزت دنیا هستند، اما اگر این زیبایی ها در مسیر توحید قرار گیرند، چنین عزت و افتخاری ماندگار و تبدیل به باقیات صالحات خواهد شد؛ به گونه ای که نزد خدای متعال دارای خیر و برکت پایدار است: ﴿الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ أَمَلًا﴾ (کهف: ۴۶)؛ «مال و فرزندان، زینت زندگی دنیایند و کارهای ماندگار شایسته، نزد پروردگارت پاداشی بهتر دارند و امید داشتن به آن ها نیکوتر است». افزون بر این وقتی امت اسلامی در مسیر توحید باشد، فرزندآوری و کثرت جمعیت با پرورش و تربیت نیروهای پاک و موحد همراه خواهد شد. در این صورت نه تنها در زندگی دنیا، بلکه در زندگی آخرت نیز موجب عزت و افتخار خواهند بود؛ چنانکه امام محمد باقر (ع) در روایتی به نقل از رسول اکرم (ص) فرموده است: «تَزَوَّجُوا بِكُرًا وَلُودُوا وَلَا تَزَوَّجُوا حَسَنَاءَ جَمِيلَةً عَاقِرًا فَإِنِّي أَبَاهِي بِكُمْ الْأُمَمَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۳۳۳)؛ با دختر باکره ای که فرزندآور است، ازدواج کنید و با زن نازای زیبا ازدواج نکنید؛ زیرا من به فزونی جمعیت شما در روز قیامت مباهات می کنم».

نتیجه گیری

بررسی موضوع نقش فرزندآوری و فرزندپروری در افزایش کیفیت زندگی از منظر آیات و روایات، بیانگر این نتایج است که وجود فرزندان و پرورش آن ها به دلیل برخورداری از کارآمدی و ثمرات گوناگون موجب می شود که انسان ها در دنیا و آخرت زندگی بهتر و باکیفیت بالاتری را رقم زنند؛ از جمله بر اقتدار خانواده و جامعه می افزایند؛ چرا که فرزندان صالح در پیشامدهای روزگار و مشکلات آن، یار و مددکار خانواده هستند و موجب تسهیل

مشکلات می‌شوند. آن‌ها به دلیل پاکی و رفتار نیکو روشنی چشم خانواده و موجب شادکامی آن خواهند بود و سرمایه مهم معنوی والدین هستند؛ چرا که تحمل سختی‌های فرزندآوری و فرزندپروری، اجر و پاداش اخروی دارد و پس از مرگ والدین از ثواب اعمال صالح فرزندان‌شان بهره‌مند می‌شوند؛ زیرا فرزندان صالح، صدقه جاریه و باقیات صالحات والدین هستند. فرزندان نیکوکار که ثمره قلب والدین هستند، موجب عزت آن‌ها می‌شوند و از این منظر که خدای متعال نیز رزق آن‌ها را بر عهده گرفته است، موجب توسعه روزی هستند. افزون بر آن فرزندآوری و پرورش نیروهای پاک و موحد، تداومگر فرهنگ حیات‌بخش و باکیفیت توحیدی از نسلی به نسل‌های آینده هستند و اگر فرزندآوری و کثرت جمعیت در مسیر توحید قرار گیرد و تربیت نیروهای موحد و پاک، پایدار و مستدام باشد، هم در زندگی دنیا و هم در فردای قیامت موجب افتخار و عزت خواهند بود.

فهرست منابع

فارسی

۱. آیت‌اللهی، زهرا و بتول نامجو و امیرحسین بانکی پورفرد، (۱۳۹۲ ش)، دانش خانواده و جمعیت، چاپ اول، قم: نشر معارف.
۲. اندرسون، جسیکا، (۱۳۸۵)، «افتخار مادر بودن»، نشریه مکاتبه و اندیشه، ش ۲، ص ۱۲۳-۱۱۷.
۳. پاینده، ابوالقاسم، (۱۳۸۲ ش)، نهج الفصاحة (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول ﷺ)، چاپ چهارم، تهران: دنیای دانش.
۴. حیدری، راضیه، (۱۳۹۹)، «بررسی رابطه عزت نفس و شادکامی با رضایت از زندگی»، مجله روان شناسی و علوم رفتاری ایران، ش ۲۱، ص ۱۱۷-۱۱۰.
۵. دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۷ ش)، لغت نامه دهخدا، چاپ دوم، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۶. شجاعی، محمدصادق، (۱۳۸۸)، «تربیت کودک، تقابل اسلام و غرب»، مجله پیام زن، ش ۲۱۴، ص ۱۲۷-۱۲۰.
۷. شوبکلانی، مسلم، (۱۳۹۵ ش)، فرزندآوری در سبک زندگی اسلامی، قم: مؤسسه فرهنگی و اطلاع‌رسانی تبیان.
۸. طباطبایی، سید محمدحسین، (۱۳۷۴ ش)، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، چاپ پنجم، قم: دفتر انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۹. قرشی بنایی، سید علی اکبر، (۱۳۷۷ ش)، تفسیر أحسن الحديث، چاپ سوم، تهران: بنیاد بعثت.
۱۰. کبودی، مرضیه، علی رمضانخانی، هومان منوچهری، ابراهیم حاجی‌زاده و مرجان حقی، (۱۳۹۲)، «الگوی تصمیم‌گیری فرزندآوری: یک مطالعه کیفی»، نشریه پایش، دوره ۱۲، ش ۵، ص ۵۱۵-۵۰۵.
۱۱. محمدی‌نیا، اسدالله، (۱۳۷۹ ش)، فرزند بیشتر زندگی شادتر، چاپ اول، تهران: سبب اکبر.
۱۲. مدرسی، محمدتقی، (۱۳۷۷ ش)، تفسیر هدایت، چاپ اول، مشهد: بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی.
۱۳. مقدمی، محمود، (۱۳۹۵ ش)، فرزندآوری، چاپ اول، تهران: کانون اندیشه جوان وابسته به مؤسسه کانون اندیشه جوان.
۱۴. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۴ ش)، تفسیر نمونه، چاپ اول، تهران: انتشارات دارالکتب الاسلامیه.
۱۵. ——— و جعفر سبحانی، (بی‌تا)، پاسخ به پرسش‌های مذهبی، چاپ دوم، قم: مدرسه امام علی بن ابیطالب (ع).

عربی

۱. بروجردی، آقا حسین، (۱۳۸۶ ش)، جامع احادیث الشيعة، چاپ اول، تهران: انتشارات فرهنگ سبز.
۲. حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۰۹ ق)، وسائل الشيعة، چاپ اول، قم: مؤسسه آل البيت (ع).
۳. شریف الرضی، محمد بن حسین، (۱۴۱۴ ق)، نهج البلاغة، تصحیح صبحی صالح، چاپ اول، قم: هجرت.
۴. صدوق، محمد بن علی، (۱۴۱۳ ق)، من لایحضره الفقیه، تصحیح و تحقیق علی اکبر غفاری، چاپ دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۵. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ ق)، الکافی، تصحیح علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، چاپ چهارم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

۶. لیثی واسطی، علی بن محمد، (۱۳۷۶ ش)، عیون الحکم و المواعظ، تصحیح حسین حسینی بیرجندی، چاپ اول، قم: دارالحديث.

۷. مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳ ق)، بحار الأنوار، چاپ دوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

۸. نوری، حسین بن محمدتقی، (۱۴۰۸ ق)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، چاپ اول، قم: مؤسسه آل البیت علیه السلام.

سایت‌ها

1. <http://hakimemehr.ir/fa/news/47186>